

رونق تولید

تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل ها و مواضع رسانه ها و جریانها

BASIRAT.IR

آموزش تحلیل سیاسی / از مکتب شهید سلیمانی بیاموزیم

ارا بودن صفای باطن و مهربانی و لطافت روحی در کنار صلابت و حماسه سازی که ایشان در میدان جنگ نسبت به دشمنان داشت، ترکیب زیبایی می آفریند. اگر سردار مهربان بود، بر اساس یک خصلت شخصیتی فردی نبود، بلکه عقلانیت دینی ایجاب می کرد که مهربان باشد و خدمت بکند. اگر ایشان نمی ترسید، به خاطر عقلانیت دینی است که کار را به دست خدا می داند. اگر شهید سلیمانی مذاکره کننده ی قوی در دیپلماسی بود، به خاطر عقلانیتی است که از دین پیدا کرده بود که باید مذاکره کننده ی قوی باشد.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۱ / دوشنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۹۸

انقلاب اسلامی و جلوه ناب تاب آوری ملت ایران

جوان: تاب آوری ایران در جهان امروز و در دهه ها و سده های اخیر بی سابقه و بی نظیر بوده و عصبانیت نظام سلطه و ائتلاف عبری، غربی، وهابی را در پی داشته است. به اذعان بسیاری از کارشناسان بین المللی هیچ کشوری حتی تاب تحمل یک پنجم فشارهای مرکب و چند وجهی وارده بر مردم ایران را نداشته و قطعاً فشارهای به مراتب کمتر و حتی یک وجهی سبب سقوط کشورهای دیگر خواهد شد. این تاب آوری اعجازگونه و دشمن کش، محصول گرانسنگ و ارزشمند فرهنگ غنی و انسان ساز انقلاب اسلامی ایران است. آن چیزی که بیش از هر چیز دیگر سبب عصبانیت نظام سلطه و مشخصاً امریکای جنایتکار، به عنوان غول بی بدیل وحشی گری شده است، همین تاب آوری مردم ایران است. غرب حق دارد عصبانی باشد چرا که حاصل سه سال برنامه ریزی، سازماندهی، آموزش، مانور، تجهیز و شبکه سازی برای عاصی سازی و به میدان آوردن مردم علیه حاکمیت با بصیرت ستودنی و تاب آوری اعجازگونه مردم ایران به فنا رفته و ایرانیان صبور، بصیر و مقاوم، پاسخ همه شرارتها و فشارهای دشمن را در حضور حماسی خود در تشییع پیکر پاک سردار فاتح دلها و در راه پیمایی ۲۲ بهمن داده اند؛ و اینک مردم ایران خود را برای تصویرگری تاب آوری دیگری در عرصه انتخابات آماده می کنند. تصور دشمن این بوده و هست که علاوه بر فشار خارجی، اوضاع نامساعد اقتصادی و معیشتی ناشی از سوءمدیریتها، اشرافی گری، فرصت سوزیها و سبک زندگی غلط برخی مدیران مردم را بی انگیزه کرده و میل به حضور در انتخابات کم رنگ تر از گذشته خواهد بود، اما شواهد و قرائن بسیار بر این حقیقت دلالت دارد که نه تنها مردم نسبت به انتخابات مجلس دهم در سال ۹۴ پرشورتر در انتخابات حاضر خواهند شد بلکه با درس گرفتن از انتخابات گذشته، در انتخاب نمایندگان مؤمن، شجاع، غیور، صمیمی با مردم، امتحان داده، خوش نام، خوش سابقه، کارآمد، کاربلد، کارآزموده، بانگیزه، ضدفساد، بابرنامه، دشمن شناس، معتقد به استفاده از ظرفیت های فراوان داخلی و... وسواس و حساسیت بیشتری به خرج خواهند داد. در انتخابات پیش رو، مردم دیگر فریب تصویرگری و شعارهای فریبنده و اغواگرانه اصلاح طلبان را نخواهند خورد. مردم در حال حاضر مجلس ناکارآمدی را می بینند که متأسفانه یک سوم نمایندگانش به دلایل فساد اقتصادی از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت شده و یک سوم دیگر که برای مجلس یازدهم ثبت نام نکرده اند هم اگر ثبت نام می کردند چه بسا که به همان دلایل اقتصادی رد صلاحیت می شدند. در چنین شرایطی مردم تصمیم خود را برای خلق حماسه ای دیگر از به نمایش گذاشتن تاب آوری گرفته اند.

به وقت وحدت

فارس: آنکه نرسیدن اصول‌گرایان به وحدت، قطعاً شانس آنها را برای پیروزی کاهش می‌دهد و البته پیامدهای منفی دیگری نیز به دنبال دارد، از جمله:

۱- این تنوع سلاقی بیش از آن که به مردم قدرت انتخاب بدهد ذهن‌ها را مخدوش و نا آرام کرده و زمینه‌های تشقت بیشتر در هواداران را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر مانع از این خواهد شد تا اصولگرایان به طور متحد با رقیب در مقام چالش بر آیند.

۲- اختلافات موجود سبب سوءاستفاده رقیب خواهد شد تا با هدف تخریب و تشدید انشقاق برخی شخصیت‌های اصولگرا را زیر سؤال برد. علاوه بر این جبهه انقلاب را فاقد قدرت استراتژیک، بی برنامه و دارای هویت ژله ای و مخدوش در شرایط فقدان رقیب معرفی می‌کند. این‌ها همه به رقیب از نفس افتاده این امکان را می‌دهد که در شرایط خلا و به لطف درگیری اعضای جبهه رقیب با خودشان مجدداً و البته با چراغ خاموش امکان بازگشت به صحنه سیاست را بیابد.

۳- خطر تقابل مقطعی اما مخرب ذخایر انقلاب در این مدل کاملاً محتمل است که در آن صورت به آسانی چهره‌های خوش‌نام و خوش سابقه نظام بنا به مصالح زودگذر و با استفاده از نیروهای کم تجربه، هزینه منافع گروهی می‌شوند. چرا که برای پیروزی در صحنه انتخابات ناچارند تا افراد هم‌سنخ خود را نیز به چالش بکشانند.

۴- ایجاد شقاق و دو دستگی میان نیروهای حزب‌اللهی و سرمایه‌های اصلی کشور آسیب جدی بعدی در این خصوص است و مهم‌ترین آسیب این مساله نه الان که در انتخابات ۱۴۰۰ بروز خواهد کرد و به طور قطع شرایط تشکیل دولت جوان حزب‌اللهی در آن برهه را با سختی‌های زیاد روبرو خواهد کرد.

اما چرا؟ چرا ما درست سر بزنگاه برد بازی را چند هیچ واگذار می‌کنیم؟ معتمد تعصبات و منیت‌های گروهی برای رسیدن به قدرت، خود مرجع پنداری برخی افراد، عدم تشخیص صحیح از وضعیت کشور و بحران‌های پیش روی انقلاب و شاید حتی شبکه نفوذ را بتوان به عنوان اصلی‌ترین عوامل عدم وحدت اصول‌گرایان در برهه‌های تعیین‌کننده دانست؛ این در حالی است که وحدت اصول‌گرایان حول محور کاندیداهای برتر به عنوان مولفه تضمین بخش استراتژی برد و مدیریت صحیح در صحنه انتخابات سبب کاهش آرای غربگرایان خواهد شد. کاش می‌آموختیم که راهبرد صحیح، ائتلاف ذیل خط اختلافات است. و این مهم با وحدت بینشی موجود در بین کاندیداهای انقلابی به راحتی قابل تحقق است. اما متأسفانه به دلیل عدم چنین باور و روشی شرایط کنونی و سردرگمی موجود، کل جبهه انقلاب و حتی نخبگان را تهدید می‌کند و قطعاً هر نوع سرگردانی در میان نخبگان، کار تشخیص را برای هواداران نیز سخت‌تر خواهد کرد.

ضعف بنیادین دولت و لطمه اعتبار سنگینی که بر سرمایه رای اصلاح طلبان وارد آورده راه را برای یک پیروزی شیرین در انتخابات اسفند ۹۸ فراهم آورده است و اکنون این اصولگرایان هستند که بایستی با درس‌آموزی از ناکامی‌های پر تکرار گذشته که محصول تشقت، عهدشکنی و احساس-تکلیف بیجا در حضور تا دقیقه ۹۰ بود بازی ۱۰۰ درصد برده را به باخت قطعی تبدیل نکنند. کاش هزینه سنگین و احتمال تکرار تلخ کامی لیست ۳۰ هیچ تهران و سایر نقاط کشور در دوره قبل عبرتی باشد برای بازاندیشی در روش و منش دوستان. باور کنید در صورت عدم وحدت ما به هنر رقیب نه، که به بی هنری خود می‌بازیم.

توقف شومنیسم معطل درایت و دوراندیشی

کیهان: ۱- جدی گرفتن فرصت‌های محدود و گذران زندگی یا به بازی برگزار کردن آن، یکی از شاخص‌های مهم بلوغ یا رشدنیافتگی است. به واسطه استخدام فضای مجازی، فردی با مختصات ترامپ در آمریکا به قدرت رسید؛ یا در اوکراین، ولادیمیر زلنسکی کم‌دین تلویزیونی توانست به ریاست‌جمهوری برسد. نیوزویک بعد از انتخاب ترامپ، در تیتراژ اول خود پرسید «چگونه داده‌ها و اطلاعات عظیم، دموکراسی را تباہ می‌کند؟» و پاسخ داد: «BRAIN WASHED - مغزشویی، شست‌وشوی مغزی». ۲- در تعریف «شومن» (Showman) نوشته‌اند: «نمایش‌گردان. اجراکننده نمایش و برنامه را گویند، حسین دهباشی کارگردان فیلم تبلیغاتی آقای روحانی در سال ۹۲ از نوعی نمایش و بازی خبر می‌دهد: «متن‌های سخنرانی روحانی را در سال ۹۲ من نوشتم. ۲۷-۲۸ جمله طراحی شده بود که قرار بود آقای روحانی بگوید. مثلاً جمله «هم چرخ سانتریفیوژها باید بچرخد، هم چرخ زندگی مردم». روزبه‌روز با سیطره رسانه‌ها، آدم‌هایی انتخاب می‌شوند که به شومن و بازیگر نزدیک‌ترند تا سیاستمدار... از روحانی خواستم این جملات را در فیلم بگویند: «من سال‌هاست وقتی بین منزل و اداره تردد می‌کنم و مردم را می‌بینم و چهره‌ها را مطالعه می‌کنم، می‌بینم چقدر گرفته و عبوس است و خنده در چهره‌ها نیست». ۳- تکرار جملاتی که سال ۹۲ می‌توانست بخشی از مردم را جادو کند، شش سال بعد، موجب رنجش همان‌ها شده است. تا آنجا که به تصریح آقای صوفی (وزیر دولت اصلاحات و عضو شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان) محبوبیت آقای روحانی در نظرسنجی‌ها به زیر ۱۰ درصد رسیده است. در چنین شرایطی، انسان یا باید اظهار شرمندگی و عذرخواهی کند، و یا به عملیات روانی و تولید دوقطبی‌های خلاف واقع ادامه دهد. آن هم در حالی که ملت ما، سال پرماجری را به‌خاطر خیانت دشمنان از سر گذرانده و در برابر آنها با تمام توان، قدرت‌نمایی کرده است. آیا بی‌تدبیری، فرصت‌سوزی و گستاخ کردن دشمن، حق این مردم است؟ ۴- در این میان باید پرسید آیا نیروهای انقلابی به بلوغ کافی رسیده‌اند؟ راهبرد «اجتماع قلوب»، بسی فراتر از ائتلاف‌های سیاسی است و جز با تنازل و تواضع و حسن‌ظن پدید نمی‌آید؛ که اگر غیر از این بود، امیرمؤمنان علیه‌السلام نباید با هیچ‌کس کار می‌کرد. اخلاص او کجا و دیگران کجا؟ حضرت، در صراحت و نصیحت و مواخذه و مبارزه چیز کمی نگذاشت اما در عین حال، پیشقدم‌ترین افراد برای وحدت و تعاون در مسیر حق بود؛ بی‌آنکه سر سوزنی به انحرافی مشروعیت ببخشد. ۵- امیرمؤمنان (ع) در خطبه ۱۸۹ فرمود: «إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُّسْتَصْعَبٌ، لَا يَحْمِلُهُ إِلَّا عَبْدٌ مُّؤْمِنٌ اٰمَنَ اللّٰهُ قَلْبُهُ لِلْإِيْمَانِ وَ لَا يَعْجِي حَدِيثَنَا إِلَّا صِدُوْرٌ اٰمِيْنٌ وَ اٰخْلَامٌ رَزِيْنَةٌ. حقیقت امر ما سخت است و بر مردم سخت آید. کسی آن را نتواند برداشت مگر بنده مؤمنی که خداوند قلبش را برای ایمان آزموده؛ و حدیث ما را به جان نخرد، جز سینه‌های امین و خردهای استوار». بخشی از این دشواری، صبر و بصیرت کار با دیگران است. اخوت میان شهید سلیمانی، شهید ابومهدی مهندس، سیدحسن نصرالله و زینبیون و فاطمیون و انصارالله یمن را ببینیم. آیا اختلاف فهم و سلیقه نداشتند؟ قطعاً داشتند. اما هرگز اختلاف و دوگانگی و پراکندگی در تصمیم، از آنها صادر نشد. با رفتار خالصانه و حکیمانه توانستند ضمن پایبندی به اصول، با خیلی‌ها (سُنّی‌ها، مسیحیان، کردها، روس‌ها، گروه علی عبدالله صالح، ...) کار کنند و ظرفیت‌ها را تا حد ممکن پای کار مقاومت بیاورند، یا از برخی معارضه و مزاحمت‌ها بکاهند. این رفتار پیش‌برنده و گره‌گشا، تنها با تدبیر برآمده از روح تقوا ممکن است. با یلخی‌گری، هیجان‌بارگی و نگرش نوک‌دماغی نمی‌توان به قله‌های حکمت در تصمیم‌گیری دست یافت.

۶- دیدن واقعیت‌های دشمنی دشمنان و تنازل برای هم‌افزایی (تعاون)، تکلیف بر زمین مانده نیروهای انقلابی است. اینجا جای مال‌اندیشی است، نه خودرایی. مقتدای انقلاب درباره رویکرد سردار سلیمانی نکاتی فرمودند: «رفیق خوب و عزیز و خوشبخت ما شهید سلیمانی، هم شجاع و هم باتدبیر بود. صرف شجاعت نبود. برخی شجاعت دارند ولی تدبیر و عقل لازم را برای شجاعت ندارند. برخی اهل تدبیر هستند ولی دل و جگر لازم برای اجرای آن تدبیر را ندارند. این شجاعت و تدبیر توامان فقط در میدان نظامی هم نبود، بلکه در میدان سیاست هم همین‌طور بود. ۷- مردم با همه گله‌مندی‌ها، پای کار انقلابند؛ این حقیقت را در تشییع پرشکوه شهید سلیمانی و راهپیمایی ۲۲ بهمن پرشکوه دیدیم. اما بسامان شدن و بهبود امور، متوقف رفتار مسئولیت شناسانه نخبگان انقلابی است. انتخابات، یکی از آن موقعیت‌های خطیر است که اگر با همت و همدلی و امیدآفرینی برگزار شود، کشور را برای سال‌ها بیمه می‌کند. مجلس قوی، از لوازم ایران قوی و قدرتمند است؛ مجلسی که تقنین و نظارت و مطالبه‌گری آرمان‌های انقلاب را جدی بگیرد و بر مدیریت نمایشی نقطه پایان بگذارد. آیا نیروهای انقلابی به بلوغ کافی برای ادای چنین مسئولیتی رسیده‌اند، یا حسرت بر دل مردم می‌گذارند.

ترکیه در فاز جدید سیاست خارجی

تسنیم: از سال ۲۰۰۲ میلادی و پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه یک بار دیگر به منطقه بازگشت. اما نه بازگشتی چنان سریع و شتابان، بلکه رجعتی نرم و متعادل که بر اساس اندیشه‌های اقتصادی لیبرالیستی دو وزیر امور خارجه توانمند، یعنی عبدالله گل و علی باباجان، ترکیه را به سمت رشد و اعتلای دیپلماسی برد. در فاز بعدی و به ویژه در دوران صدارت احمد داوود اوغلو در وزارت امور خارجه ترکیه، این بار آنکارا بیش از آن که به دنبال «ارتباط» باشد، در جستجوی «قدرت» بود. به همین خاطر در مقطع مهمی که غربی‌ها و سیاست‌مداران منطقه، آن را بهار عربی نامیدند، تیم اردوغان به دنبال آن افتاد تا در پرونده‌های منطقه‌ای جای پای بیشتری باز کند و بر اساس اصل به ظاهر جذابی به نام عمق استراتژیک و قرائت مجدد اهمیت قلمروهای گسترده دوران عثمانی، موج جدیدی به راه بیندازد. اما حالا، ارتباط گسترده و تلاش برای نفوذ، تا حد زیادی جای خود را به مداخله نظامی داده است. البته ترکیه در همه این حوزه‌ها، ظفرمند نبوده و هزینه‌هایی نیز پرداخت کرده است. این روزها، ترکیه در چندین پرونده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود را گرفتار کرده و با آن که از مشکلات داخلی قابل توجهی رنج می‌برد اما در سیاست خارجی و تحرکات مداخله جویانه، دچار خستگی و سرشلوغی شده است.

